**بررسی دیدگاه­­های کلیسای کاتولیک و الهیات رهایی‌بخش دربارۀ مبانی صلح در آمریکای لاتین**

**چکیده**

کتاب مقدس و خصوصاً عهد جدید به منزلۀ یکی از مهم‌ترین مبانی اخلاق و اعتقاد مسیحی تاکید بسیاری بر صلح و برپاداری آن دارد. در بیان پیامبران عهد عتیق بر عدالت و رحمت که از مبانی صلحند به کرات تاکید شده است. در اناجیل عیسی مسیح و نیز در رسائل پولس قدیس ارجاعات قابل توجهی درباره صلح و همچنین درباره عدالت به عنوان یکی از مبانی مهم صلح به چشم می‌خورد. با این حال تفسیر این متن در مسیحیت کاتولیک همواره در اختیار واتیکان نبوده و در مواردی شاهد تفاسیر متفاوت و در نتیجه اختلاف نظرهای عمیقی هستیم. در نیمه دوم سده بیستم جنبش الهیات رهایی­بخش با رها کردن موضع منفعلانۀ کلیسای کاتولیک رم، موضعی فعال در برابر بی‌عدالتی‌های موجود در فضای اجتماعی و سیاسی کشورهای آمریکای لاتین اتخاذ کرد. طرفداران الهیات رهایی­بخش رسیدگی به فقرا و توجه به عدالت اجتماعی را مورد تاکید قرار دادند و در این راه بخش­هایی مثل سفر خروج در عهد عتیق و صلیب مسیح و انتقادهای او به فریسیان را بیشتر مورد ارجاع قرار دادند. این دیدگاه از وجوهی مورد نقد کلیسای کاتولیک رم قرار گرفت. یکی از نقد‌ها تأثیر گفتمان غیر دینی مارکسیسم بر الهیات رهایی‌بخش بود. کلیسای کاتولیک رم جهت حفظ اصول خود شیوه پرهیز از دخالت در امور سیاسی و همراهی با دولت­ها را اتخاذ و در عین اهمیت دادن به کمک به فقرا، وظیفه اصلی خود را حفاظت از مرزهای ایمانی مومنان اعلان کرد. در مقابل الهیات رهایی­بخش بر این عقیده بوده است که باید خود فقرا در فرایند سیاسی شرکت کرده و تدابیری اتخاذ شود تا وجدان اجتماعی هر طبقه بیدار گردد. با این حال کلیسای کاتولیک در شورای واتیکان دوم رویکردهایی را در این باب اتخاذ کرد که نشان از تاثیرپذیری از تاکیدهای الهیات رهایی بخش داشت.

**کلیدواژه ها:** کلیسای کاتولیک، الهیات رهایی‌بخش، صلح، عدالت، آمریکای لاتین